

## عامل اساسی عدم پیروزی در جنگ نافر جام افغانستان چیست؟

انتشار نود هزار اسناد محرم در ارتباط به جنگ امریکا و متحدینش علیه طالبان و سازمان القاعده در افغانستان، سیلی حقاتر تباریست بر روی زمامداران دولت پاکستان و ایالات متحده امریکا که هر دو طرف از واقعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ بدینسو سیاست های دو پهلو و منفی را به منفعت نظامی ها و به زیان افغان های فقیر و کشورهای خود شان دنبال نموده اند.

نظامی های پاکستانی در زمان تجاوز شوروی در افغانستان به عنوان حامی مجاهدین افغان میلیارد ها دالری را که از امریکا و کشورهای دیگر دریافت نمودند، هیچگاه مزه آن را از یاد نبردند و در پی آن بودند تا بازم یک چنان وضعی در منطقه بوجود آید تا از آن بهره برداری نمایند، سازمان القاعده با حمله به مرکز تجارت جهانی در نیویارک زمینه جنگ در افغانستان را بخواست نظامی ها و بنیادگرایان اسلامی فراهم کرد و بدین ترتیب بار دیگر شرایط برای باجگیری پاکستان از دولت امریکا فراهم شد و بیش از نه سال است که دولت امریکا با تقبل پرداخت میلیاردها دالر به این بازی و باج دهی تن داده و کور کورانه خون مردمان بیگناه را ریخته و میریزد.

در گذشته اهداف دولت پاکستان زیر نام مبارزه علیه تجاوز شوروی سابق به افغانستان و از ۹ سال بدینسو با ادعای مبارزه علیه تروریسم معلوم است و اگر کسانی ساده انگارانه خود را به غفلت زده بگویند قبل از سقوط رژیم طالبان حامی اصلی تروریسم مشخص نبود، تا اندازه ای جای بحث داشت ولی بعد از آن کاملاً آشکار و مبرهن گردیده که آموزش دهنده عملیات تروریستی، تأمین کننده وسایل لوژستیک و رهبری کننده اصلی طالبان در جنگ علیه دولت افغانستان و نیروهای بین المللی سازمان اطلاعات نظامی پاکستان بوده که قدرت مرکزی در دولت آنکشور بحساب می آید، و این چیزی نیست که تازه پس از انتشار اسناد محرم در سایت ویکی لیکس بیان میشود، بلکه قبل از آن نیز از سوی افراد بشمار و نیز دولت افغانستان تا امروز بارها با اسناد و مدارک و استدلال منطقی گفته شده است که عملیات تروریستی و ادامه جنگ در افغانستان ریشه در خارج از مرزهای آنکشور داشته و بلاخص دست استخبارات نظامی پاکستان در کار است.

مثلاً قبلاً آقای سعیدی دیپلمات سابق افغانستان در پاکستان از طریق رادیو بی بی سی به صراحت اظهار داشته است که اردوی پاکستان برای فریب امریکائی ها فقط گروه بیت الله محسود را که مخالف دولت پاکستان است مورد حمله قرار میدهد ولی هیچگاه شبکه شورای کویته تحت رهبری ملا عمر، گروه سراج الدین حقانی و گلبدین حکمتیار را که در افغانستان علیه دولت و نیروهای بین المللی میجنگند مورد تعقیب و ضربه قرار نداده و نمیدهد.

سازمان سی آی ای هم چند بار از قول سرویس های اطلاع رسانی خود گفته است که حکومت پاکستان بازی دو پهلو را در پیش گرفته که با یک بخشی از طالبها می جنگد و بخشهای دیگری را یاری و رهبری میکند، اینرا نیز گفته اند که چند ماه قبل حکومت پاکستان ملا محمد عمر و اهل و بیت آنرا از کویته به کراچی انتقال داده اند تا مبادا در اثر بمباران طیارات بدون پیلوت امریکائی کشته شوند.

در گزارش قاطع نه چندان دور، پوهنتون معتبر اقتصاد لندن به صراحت آمده است که سازمان استخبارات نظامی پاکستان در ارتباط مستقیم با گروه های طالبان همکاری داشته و نقش رهبری آنها را نیز در دست دارد. بالاخره رادیو بی بی سی تازه بتاريخ ۲۷ اگست ۲۰۱۰ از قول جنرال دیوید پترائوس گفته است که نا امنی ها در افغانستان ریشه اش در خارج از مرز های افغانستان است.

لذا پس از گذشت نه سال دیگر هیچ جای شک و تردیدی وجود ندارد که در عقب عملیات تروریستی طالبان در افغانستان سازمان استخبارات نظامی پاکستان قرار دارد و الی در حالیکه پلیس و استخبارات نظامی پاکستان در تمام نقاط آنکشور شب و روز به فعالیت بوده، چگونه ممکن است سران و هزاران فرد طالب در آنکشور زندگی کنند و در میدان ها به تربیت نظامی و عملیات تروریستی بپردازند، با سلاح ها و مهمات، کامیونها و موتوسایکل ها بین پاکستان و افغانستان در رفت و برگشت باشند و با اینهمه باور کرد که مسئولین امنیت آنکشور هیچ چیز را نمی بینند و نمی دانند که در آنجا چه میگذرد؟

بارها دیده شده که طالبها، ده ها و صدها تانکر نفت رسانی امریکائی ها را در داخل شهرهای پاکستان به آتش کشیده اند، اگر حکومت پاکستان مخالف این عمل شان می بود چرا با آنهمه پولیس و اردوی ششصد هزار نفوی نتوانسته یکنفر آنها را دستگیر و یا بقتل رساند؟

واضحست که طالبان مخالف دولت افغانستان و قوای ناتو با برخورداری از حمایت نظامی های حکومت پاکستان میتوانند چنین فعالیت ها و عملیاتی را انجام دهند و گرنه هر زمان که طالبان پاکستانی مخالف دولت پاکستان عملیاتی را در خاک آنکشور به راه انداخته اند، اردوی پاکستان علیه گروه های مخالف دولت خود بشدت و خشونت عمل کرده اند، چنانکه در مسجد « لعل » منطقه « سوات » « بلوچستان » و جاهای دیگر از هر نوع سلاح هوایی و زمینی در تار و مار ساختن بنیاد گریان اسلامی استفاده کرده اند و به آنها اجازه نداده اند که کوچکترین قسمت خاک پاکستان را به اشغال دائمی خویش در آورند.

خواننده محترم به این نکته دقت بفرماید، زمانی که دولت پاکستان از ملا برادر معاون ملا محمد عمر اطلاع حاصل کرد که در ارتباط با رئیس جمهور کرزی به توافق رسیده اند که بدولت کابل بپیوندد، بلا معطلی وی را همراهی بیست و پنج نفر اعضایش دستگیر ولی برغم تقاضای مکرر حکومت کابل مبنی بر استرداد وی به افغانستان از سوی دولت پاکستان رد شد که نامبرده تا امروز در تحت نظارت نظامی های آنکشور بسر میبرد.

شاید از میان صدها مطلبی که در این زمینه قبلاً ارائه گردیده، ذکر همین چند نکته هم در اثبات داشتن نظامی های پاکستانی در حمایت از تروریسم و رهبری جنگ ظاهراً زیر نام طالبان علیه دولت افغانستان و قوای ناتو کافی باشد.

مگر عجیب است که با اینهمه مدارک در مدت نه سال سیاست امریکا در قبال افغانستان و پاکستان کاملاً گنگ و نامشخص بوده، فقط چندی قبل در کنفرانس بین المللی کابل بود که گفته شد، امریکائی ها و ناتو تا سال ۲۰۱۴ خاک افغانستان را ترک میگویند، پیش از آن معلوم نبود که تا چه زمان این ستراتیژی غیر موثر را دنبال مینمایند و بهمین سردرگمی موضع دولت امریکا و متحدینش، برای بسیاری مردم حدس و گمان های را بوجود آورده بود که گفته میشود مسأله مبارزه علیه تروریسم برای امریکا یک بهانه بوده، در واقعیت امر افغانستان بمثابه یک منطقه جیوستراتیژیک و اکونومیک اشغال دائمی شده و ممکن نیست نیروهای امریکا آنجا را ترک گویند.

اخیراً از میان نود هزار اسناد محرم افشا شده راجع به جنگ افغانستان که گفته شده یکصد و هشتاد قطعه سند آن مربوط به سازمان اطلاعات نظامی پاکستان بوده که حمایت آشکار آنرا از طالبان در برابر افغانستان و قوای ناتو به ثبوت میرساند.

بنا بران سنگینی اینهمه اسناد افشا شده در حدی هست که شاید دیگر ممکن نباشد دولت امریکا بتواند مردم خود و جهان را بفریبد و کماکان کجراهی گذشته را دنبال نماید.

اینکه چرا تاحال دولت امریکا با اینهمه مدارک به سیاست دو پهلوی کجدار و مریز قناعت کرده و علیرغم پرداخت میلیارد ها دالر باج به حکومت پاکستان از راه حل منطقی و پایان جنگ خبری نیست، بیشتر از هر مسأله عامل عدم موفقیت در جنگ افغانستان اینست که هم ستراتیژی های حکومت جورج بوش و هم بارک اوباما، چندان توجه لازم را به نقش استخبارات نظامی پاکستان که دست درازی در تروریست پروری و به راه اندازی جنگ در افغانستان دارد، از خود نشان نداده اند و بهمین لحاظ ستراتیژی های که تاحال به منصفه اجرا قرار گرفته اند به موفقیت نه انجامیده اند بلکه بالعکس در اثر بمباران های کورکورانه و کشتار افراد بیگناه وضعیت منفی زیادتری از خود برجا گذاشته است و بی جهت نیست که اخیراً رئیس جمهور کرزی از دولت امریکا خواسته است تا به ستراتیژی قبلی خود در افغانستان و منطقه تجدید نظر نماید.

خلاصه در صورتیکه دولت امریکا به تجدید نظر در ستراتیژی موجود حاضر باشد می باید محور توجه را به نقش سازمان استخبارات نظامی پاکستان معطوف نمایند که چه از طریق دیپلماسی و یا فشار های عملی آن نهاد را وادار نمایند تا از حمایت طالبان دست بردارند و الی اگر به همان منوال و شیوه گذشته به جنگ پرداخته و یا به خروج قوای شان از افغانستان اقدام نمایند، باید در انتظار عملیات فاجعه بار بیشتری در منطقه و جهان باشند. با احترام